

# همبولدی خوش قلب



ماکس فلتویس

مترجم: پریسا برازنده



در سرزمین کوچکی در گوشه‌ی دنیا مردمی آزاد، بدون هیچ نگرانی، زندگی می‌کردند. هر کس با کاری روزی‌اش را به دست می‌آورد. کشاورزان گندم و سبزی می‌کاشتند، نانوايان نان می‌پختند و نجاران میز و نیمکت درست می‌کردند. هر کس کاری انجام می‌داد. در این سرزمین زمان به‌کندی می‌گذشت و هیچ اتفاق هیجان‌انگیزی نمی‌افتاد.

